

## تحریم‌های اتحادیه اروپا بر ضد روسیه؛ دلایل، ابعاد و پیامدها

علی صباغیان<sup>۱</sup>

علیرضا ثمودی<sup>۲</sup>

با پایان جنگ سرد ساختاری در نظام بین‌الملل به وجود آمد که اگرچه پیچیده، اما قابل مدیریت بود و روسیه، اتحادیه اروپا و آمریکا برای مدیریت مشکلات مشترک در چارچوب آن با یکدیگر همکاری می‌کردند؛ اگرچه در این مسیر پرتنش در روابط دو طرف حادثی چون حمله ناتو به کوزوو و جنگ روسیه با گرجستان در سال ۲۰۰۸ وجود داشت که روسیه را با غرب به چالشی جدی کشاند؛ اما با وجود همه این حوادث، همکاری میان دشمنان قدیمی شرایطی را فراهم آورده بود که دو طرف به مفاد پیمان نهایی هلسینکی احترام می‌گذاشتند.

بحران سیاسی به وجود آمده در اوکراین در اوایل سال ۲۰۱۴ روابط به نسبت خوب میان غرب و روسیه را که با فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ آغاز شده بود تا حدود زیادی از میان برد. این بحران در واقع پایانی بود بر یک مرحله توأم با همکاری در روابط دو طرف؛ مرحله‌ای که در آن غرب در تلاشی نافرجام درصدد ادغام روسیه در ساختارهای مورد نظر خود بود. این بحران علاوه بر ایجاد تنش شدید سیاسی در روابط دو طرف، عرصه‌های دیگر روابط آنها را به ویژه روابط اقتصادی و تجاری در بر گرفته است. جنگ اقتصادی روسیه و غرب بر سر بحران اوکراین در قالب تحریم‌های متقابل نمود یافته است.

در واقع، سوال اصلی مقاله پیش رو این است که چه عواملی موجب بروز بحران میان اتحادیه اروپا و روسیه شده است و ابعاد و پیامدهای اعمال تحریم‌ها از سوی اتحادیه اروپا بر ضد روسیه کدام هستند؟ در پاسخ به پرسش فوق، این فرضیه مطرح می‌شود: توسعه سه گانه ناتو، اتحادیه اروپا و اقدام‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه خارج نزدیک روسیه از مهم‌ترین دلایل بروز تنش میان اتحادیه اروپا و روسیه بوده است. همچنین روش تحقیق استفاده شده در این مقاله روش توصیفی-تحلیلی است.

**واژگان کلیدی:** اتحادیه اروپا، روسیه، تحریم‌های اقتصادی و اوکراین.

Email: sabbaghian@ut.ac.ir

Email: alirezasamoudi@ut.ac.ir

<sup>۱</sup> . نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> . دکترای مطالعات اروپا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت ۹۳/۴/۲۷، تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۳

## مقدمه

ده سال پیش به دنبال انقلاب نارنجی غرب‌گرایان در اوکراین که با حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا رخ داد، بار دیگر سخن از شروع جنگ سرد جدید میان روسیه و غرب به میان آمد. در آن دوران، اگر چه با روی کار آمدن دولت غرب‌گرای ویکتور یوشچنکو<sup>۱</sup> منافع روسیه از برخی جهات تحت تاثیر قرار گرفت، اما تغییرات تا آن حد نبود که روسیه خود را بازنده اصلی این تحولات تلقی کند. بر همین اساس، روسیه نیز سیاست صبر را پیشه کرد تا اینکه در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۰، روس‌گرایان به رهبری ویکتور یانوکوویچ<sup>۲</sup> قدرت را به دست گرفتند و بار دیگر نفوذ روسیه در اوکراین تثبیت شد. اگرچه این بار ویکتور یانوکوویچ تلاش داشت تا در سیاست‌ها و اقدام‌های خود نوعی موازنه میان روس‌گرایی و غرب‌گرایی را مورد توجه قرار دهد؛ اما خودداری وی از امضای موافقتنامه تجاری با اتحادیه اروپا - که راه عضویت این کشور در اتحادیه مذکور را همواره می‌کرد - نشان داد که وی همچنان در دایره نفوذ روسیه قرار دارد. این امر، اگر چه با واکنش مثبت روسیه مواجه شد، اما در طرف دیگر به شدت با مخالفت اردوگاه غرب‌گرایان اوکراین و حامیان آنها در اروپا و آمریکا رو به رو گردید. غرب‌گرایان اوکراین و حامیان آنها در اروپا و آمریکا امضا نکردن موافقتنامه تجاری میان اوکراین و اتحادیه اروپا توسط یانوکوویچ را نوعی پیروزی برای روسیه و شکست خود تلقی کردند و روندی را برای تغییر این وضعیت آغاز نمودند. اتحادیه اروپا و آمریکا و نیروهای مورد حمایت آنها در اوکراین که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد همواره در صدد وارد کردن اوکراین به اردوگاه غرب از جمله عضویت این کشور در ناتو و اتحادیه اروپا بودند، این بار با تجربه گرفتن از ناکامی تلاش‌های مسالمت‌آمیز قبلی از جمله بی‌نتیجه بودن انقلاب نارنجی به سرعت از بحران کنونی برای نیل به اهداف خود بهره‌برداری کردند. در نهایت، سقوط دولت یانوکوویچ و فرار او به روسیه در وهله اول، پیروزی اتحادیه اروپا، آمریکا و نیروهای مورد حمایت آنها و شکست برای روسیه و روس‌گرایان مورد حمایت این کشور در اوکراین تلقی شد.

روسیه در واکنش به این تحولات ابتدا همچون بحران ۱۰ سال قبل در دوران انقلاب نارنجی بحث تقسیم اوکراین به دو بخش شرقی و غربی را مطرح کرد. اگر در بحران

<sup>۱</sup>. Viktor Yushchenko

<sup>۲</sup>. Viktor Yanukovich

۱۰ سال قبل این موضوع زود رنگ باخت و تمامیت ارضی این کشور حفظ شد، اما در بحران کنونی، روند تحولات از تقسیم اوکراین به دو بخش شرقی و غربی فراتر رفت و بخش‌هایی از خاک اوکراین به روسیه منضم شد. آمریکا و اروپا برای جبران این شکست تلاش کردند تا منازعه و جنگ را به میدان اقتصادی روسیه بکشانند که به باور غرب، پاشنه آشیل روسیه است. ابزار اصلی آمریکا و کشورهای اروپایی در آوردگاه اقتصادی با روسیه و به زانو در آوردن این کشور، تحریم‌های اقتصادی بود. سوال اصلی مقاله این است که چه دلایلی موجب اعمال تحریم‌های اتحادیه اروپا بر ضد روسیه شده است. در این مقاله همچنین با بررسی میزان و گستره تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا بر ضد روسیه به پیامدهای احتمالی این تحریم‌ها بر روابط میان روسیه و اتحادیه اروپا نیز اشاره خواهد شد.

به باور نویسندگان مقاله، توسعه سه گانه ناتو، اتحادیه اروپا و اقدام‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه خارج نزدیک روسیه از مهم‌ترین عوامل بروز بحران میان اتحادیه اروپا و روسیه بوده است. اگرچه ممکن است تاکتیک‌های روسیه در قبال اوکراین تغییر کند، اما هدف اصلی این کشور نگاه داشتن اوکراین به عنوان کشور بی‌طرف و منطقه حایل میان روسیه و اتحادیه اروپا و ناتو است.

روش تحقیق مورد استفاده این مقاله روش توصیفی-تحلیلی است. این مقاله با استفاده از این روش و با شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری اطلاعات لازم به بررسی منابع مختلف از جمله مقالات، اسناد مکتوب و الکترونیکی پرداخته است. پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم مقاله در چند قسمت پیش‌رو تدوین شده است.

### اعمال تحریم‌ها بر اساس رویکرد واقع‌گرایی

نظریه واقع‌گرایی به همراه همه تقسیم‌بندی‌ها و شاخه‌های آن بر موارد مهمی از جمله پیامدهای آنارشی بین‌المللی و اهمیت قدرت تاکید می‌کند. واقع‌گرایان معتقد هستند که به واسطه فقدان حکومت جهانی و وجود حاکمیت دولت‌ها، سیاست بین‌الملل آنارشیک است و این امر نه به معنای هرج و مرج، بلکه به معنای عدم نظم مرکزی تعبیر می‌شود. واقع‌گرایان و نواقح‌گرایان بقا را به عنوان نخستین هدف دولت در محیط نبود اقتدار مرکزی می‌پذیرند. همچنین روابط بین‌الملل از طریق مطالعه توزیع قدرت میان دولت‌ها (قدرت‌های

بزرگ) فهمیده می‌شود. همچنین توزیع قدرت میان دولت‌ها در حال تغییر می‌باشد و توافقی میان دولت‌ها در ارتباط با چگونگی توزیع قدرت وجود ندارد (Griffiths et al, 2009: 1).

نوواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری<sup>۱</sup> را نخستین بار کنت والتز<sup>۲</sup> در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل ارائه داد. نظریه نوواقع‌گرایی، سیستم را به عنوان سطح تحلیل خود قرار می‌دهد و در مورد رابطه سیستم یا ساختار با واحدها معتقد است که واحدها و اجزای نظام بین‌الملل تابع قید و بندها و سازوکارهای ساختاری تعیین‌کننده نظام بین‌الملل است. کنت والتز معتقد است که ساختار بین‌الملل عامل شکل‌گیری رقابت میان دولت‌های امنیت‌طلب است. فشارها و مشوق‌های ایجاد شده از سوی نظام بین‌الملل تا حدود بسیار زیادی منافع نهفته در همکاری میان دولت‌ها را محدود می‌کند. والتز همچنین این گونه استدلال می‌کند که دولت‌ها نسبت به اهمیت محدود شدن قدرت‌طلبی خود آگاهی و اشراف دارند. قدرت ابزاری، دستاویزی برای کسب امنیت است و کسب قدرت فراوان از سوی یک دولت، سایر دولت‌ها را به ائتلاف علیه آن دولت تشویق و ترغیب می‌کند. آگاهی یافتن از این شرایط پویا، ماهیت رقابتی نظام بین‌الملل را متعادل می‌کند (گلاسر، ۱۳۹۲: ۵۰). در واقع، والتز کانون و محور تبیین و تشریح را از اهمیت دولت‌ها به محیط بین‌المللی که دولت‌ها با آن روبه‌رو هستند، تغییر داد. والتز با یک مفروض ساده و حداقلی شروع می‌کند که اولویت اول همه دولت‌ها حفظ و بقای خود است، هرچند ممکن است این دولت‌ها اهداف دیگر نیز در سر داشته باشند. از سوی دیگر، ما می‌توانیم با تمرکز صرف بر انگیزه بقا، با تعاملات میان دولت‌ها آشنا شویم (Mearsheimer, 2009: 242).

پرسش اصلی نواقع‌گرایی این است که چرا کشورهای مختلف با ساختار سیاسی متفاوت، وضعیت و موقعیت جغرافیایی گوناگون و تمایزات ایدئولوژیک، رفتارهای سیاست خارجی مشابهی از خود بروز می‌دهند؟ نوواقع‌گرایان علت این رفتار مشابه را ماهیت نظام بین‌الملل و محدودیت‌هایی می‌دانند که برای کشورهای مختلف ایجاد می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۳). در واقع، آنها ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل را مهم‌ترین عامل قلمداد می‌کنند که تجمیع و انباشت قدرت را به عنوان یک نیاز حیاتی بر کشورها دیکته و تحمیل می‌کند. واقع‌گرایان ساختاری در مورد میزان قدرت لازم و کافی برای

<sup>۱</sup>. Structural Realism

<sup>۲</sup>. Kenneth Waltz

تأمین امنیت ملی و چگونگی آن اختلاف نظر داشته و به دو دسته تدافعی (میزان مورد نیاز از قدرت) و تهاجمی (بیشینه‌سازی قدرت) تقسیم می‌شوند. همچنین آنان در خصوص رفتار عقلانی کشورها و نسبت بین نظریه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، اتفاق نظر ندارند. واقع‌گرایی تهاجمی نظام بین‌الملل را رقابتی می‌داند. جان میرشایمر<sup>۱</sup> - صاحب‌نظری که به تنظیم و تدوین واقع‌گرایی تهاجمی پرداخته است - با این نظر موافق است که قدرت‌طلبی دولت‌ها تنها یک وسیله و ابزار است نه هدف نهایی آنها. وی همچنین معتقد است چنانچه شرایط مهیا باشد دولت‌ها درصدد بیشینه‌سازی قدرت خود و کسب هژمونی برمی‌آیند. در نتیجه، واقع‌گرایی تهاجمی در مقایسه با نواقع‌گرایی والتز سیاست بین‌الملل را رقابتی‌تر می‌داند. بنا بر اصول واقع‌گرایی تهاجمی، بهترین راه ممکن پیش‌روی دولت‌ها برای تضمین بقای‌شان، بیشینه ساختن قدرت خود است. نواقع‌گرایی تهاجمی بر این باور است که نمی‌توان با تکیه صرف بر موازنه قوا به صراحت بیان کرد که توسعه‌طلبی (توسعه سرزمینی) امری غیرممکن است. در برخی موارد کشورهای عضو یک ائتلاف به لحاظ جغرافیایی دور از یکدیگر قرار دارند و این امر موجب می‌شود این کشورها در مواقع ضروری نتوانند به یکدیگر کمک کنند (گلاسر، ۱۳۹۲: ۶۰). واقع‌گرایی تهاجمی این‌گونه استدلال می‌کند که دولت‌ها تمایلی به ایجاد موازنه ندارند و بیشتر تمایل دارند مسئولیت را بر عهده دیگران بیندازند.

در مقابل، واقع‌گرایی تدافعی معتقد است که ساختار بین‌الملل عامل گرایش دولت‌ها به سمت و سوی رقابت نیست، بلکه دولت‌ها تحت تاثیر برخی شرایط می‌توانند با همکاری و تعامل بهترین وضعیت ممکن امنیتی را ایجاد و تثبیت کنند. در واقع، وضعیت دوگانه امنیت، مولفه‌ی اصلی و بارز مباحث واقع‌گرایی تدافعی است؛ بدین معنا که سیاست‌های رقابتی که یک دولت برای افزایش امنیت خود در پیش می‌گیرد، در واقع موجب کاهش امنیت رقیب خود می‌شود. کنت والتز بنیانگذار نظریه نواقع‌گرایی را می‌توان در عین حال بنیانگذار نواقع‌گرایی تدافعی نیز دانست. نواقع‌گرایی تدافعی والتز بر دو مفروض ساده و روشن استوار است. نخست اینکه، کشورها کنشگران اصلی در نظام بین‌الملل هستند و دیگر آنکه، انگیزه اولیه کشورها حفظ بقا به معنای حفظ حاکمیت ملی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۸). هرچند واقع‌گرایی تدافعی نیز با مفروض‌های مشابه با نظرات والتز و مبانی واقع‌گرایی تهاجمی شروع می‌شود، اما این

<sup>۱</sup> John Mearsheimer

نظریه براین باور است که همکاری و خویشن‌داری، تحت شرایطی خاص بهترین گزینه و انتخاب یک دولت است.

زمانی که والتز در مورد ساختار نظام بین‌الملل صحبت می‌کند به نحوی در مورد ساختار قدرت‌های بزرگ بحث می‌کند. بنابراین، مدار تحولات بین‌المللی و تبیین آن بر مبنای قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد. قدرت‌های بزرگ در تحولات سیاست بین‌الملل از نقش محوری برخوردارند و متغیر بنیادین سیاست بین‌الملل محسوب می‌شوند. کشورهایی که به دنبال ورود به عرصه و موقعیت کشورهای قدرتمند هستند باید از توانمندی بالایی برخوردار باشند چرا که دستیابی به این موقعیت نیازمند منابع، امکانات زیاد و گذراندن موانع زیادی هستند و هر کشوری قادر به دستیابی به این آستانه نیست. به همین دلیل والتز منطق شمار اندک را در مورد قدرت‌های بزرگ به کار می‌برد (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۸).

در پایان باید به این موضوع اشاره کرد که از نظر واقع‌گرایان تمام دولت‌های موجود در نظام بین‌الملل از لحاظ کارکردی به واسطه وجود فشارهای ساختاری در وضعیت مشابهی به سر می‌برند. همچنین با توجه به اینکه نظام بین‌الملل آنارشیک است، دولت‌ها همواره به دنبال حفظ بقای خود هستند. همچنین به دلیل وجود فشار ساختار، بازیگران مشابه یکدیگر دست به کنشگری می‌زنند. به طور کلی، هر یک از رویکردهای رقیب تهاجمی و تدافعی در درون چارچوب نوواقع‌گرایی، بخشی از واقعیت‌های موجود در روابط بین‌الملل را به تصویر کشیده‌اند.

### حوزه‌های اختلاف میان اتحادیه اروپا و روسیه

روسیه و اتحادیه اروپا، اگرچه پس از جنگ سرد در مسائل مختلفی همچون اقتصاد، تجارت و انرژی با هم همکاری داشته‌اند و حتی موافقتنامه شراکت و همکاری<sup>۱</sup> را در سال ۱۹۹۴ با یکدیگر منعقد کردند؛ اما روابط روسیه و اتحادیه اروپا طی این سال‌ها همواره تحت تاثیر مسائل امنیتی قرار داشته است و این دو کنشگر همواره در حوزه امنیت، رقیب سنتی یکدیگر به حساب می‌آیند. اتحادیه اروپا و روسیه پس از پایان جنگ سرد در برخی حوزه‌ها (از جمله جنگ کوزوو در سال ۱۹۹۹ و جنگ گرجستان در سال ۲۰۰۸) با یکدیگر دچار اختلاف‌های جدی شده‌اند. در این میان، بحران اخیر میان اتحادیه اروپا و روسیه بر سر

<sup>۱</sup>. Partnership and Cooperation Agreement

اوکراین یکی از جدی‌ترین تنش‌های به وجود آمده میان دو طرف پس از پایان جنگ سرد بوده است.

مسائل امنیتی میان اتحادیه اروپا و روسیه نیز ریشه در دوران جنگ سرد و رقابت ناشی از نظام دوقطبی آن دوران دارد. بسیاری از تحلیلگران فروپاشی نظام دوقطبی و سقوط کمونیسم را نویدبخش دورانی تازه در روابط شرق و غرب به ویژه اروپا و روسیه ارزیابی می‌کردند، اما گذر زمان روشن ساخت که مسائل امنیتی به عنوان میراث بازمانده از جنگ سرد همچنان سایه سنگین خود را بر توسعه روابط این دو بازیگر حفظ کرده است. پس از پایان جنگ سرد روابط میان روسیه و مجموعه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بهبود یافت زیرا روسیه به اتحادیه اروپا به دید یک قدرت هنجاری و نه یک قدرت نظامی می‌نگریست.

اتحادیه اروپا و روسیه در سال ۲۰۰۳ به طور رسمی با تشکیل فضای اقتصادی مشترک<sup>۱</sup> موافقت کردند و در سال ۲۰۰۷ نیز گفتگوها برای رسیدن به موافقتنامه جدید برای ارتقای همکاری‌ها آغاز شد تا همگرایی اقتصادی میان روسیه و اتحادیه اروپا عمیق‌تر شود. همچنین اتحادیه اروپا در پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی اثرگذار بود و از آن استقبال کرد. شورای اروپا روز ۱۰ نوامبر ۲۰۱۱ همزمان با پایان یافتن گفتگوهای پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی با انتشار بیانیه‌ای تاکید کرد، «الحاق روسیه به سازمان تجارت جهانی برای اتحادیه اروپا به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری آن کشور مهم است» (صباغیان، ۱۳۹۲: ۹۳). اگرچه در سال‌های اخیر روسیه و اتحادیه اروپا روابط اقتصادی گسترده‌ای با یکدیگر داشته‌اند، اما در چند حوزه با یکدیگر اختلاف‌های گسترده‌ای نیز دارند. حوزه انرژی، سیاست همسایگی و قفقاز جنوبی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد اختلاف دو طرف است.

در واقع، حوزه انرژی یکی از حوزه‌هایی است که موجب بروز چالش میان دو طرف شده و روسیه نیز همواره از انرژی به عنوان ابزار سیاست خارجی خود بهره برده است. در مقابل، اتحادیه اروپا نیز از وابستگی بیش از اندازه خود به واردات انرژی از روسیه نگران بوده است. تلاش برای کاهش سلطه گاز پروم بر بازار اتحادیه اروپا و همچنین کاهش مصرف انرژی در اتحادیه به دلیل بحران اقتصادی تا حدودی این تسلط گاز پروم را کاهش داده است. هر چند روسیه در سال‌های آینده همچنان مهم‌ترین شریک اتحادیه در حوزه انرژی

<sup>۱</sup>. Common Economic Space

باقی خواهد ماند. اتحادیه اروپا همچنین برای جلوگیری از وابستگی بیشتر به منابع انرژی روسیه، طرح کریدور جنوبی انتقال گاز<sup>۱</sup> را در دستور کار خود قرار داده است. بحران‌هایی همچون بحران گاز اوکراین- روسیه، حوادث خاورمیانه یا موضوع هسته‌ای ایران، اتحادیه اروپا را ناچار ساخته است تا به دنبال یافتن منابع انرژی جایگزین باشد. از سوی دیگر، روسیه نیز از طریق امضای موافقتنامه‌هایی در حوزه انرژی با کشورهای همچون ترکمنستان و قزاقستان و در اختیار گرفتن فروش گاز طبیعی قزاقستان و ترکمنستان به بازارهای اروپایی به تقویت هژمونی گازی خود پرداخته است (آقایی و ثمودی، ۱۳۹۲: ۱۰). روسیه همچنین درصدد گسترش تسلط خود بر بازار انرژی اروپا می‌باشد. گاز پروم از شیوه‌های متعددی برای تثبیت انحصار خود استفاده می‌کند که یکی از مهم‌ترین این شیوه‌ها خرید سهام شرکت‌های نفتی و گازی اروپایی است.

دیگر موضوع مورد اختلاف میان اتحادیه اروپا و روسیه به حوزه قفقاز بازمی‌گردد. بی‌ثباتی و منازعه در قفقاز جنوبی پیامدهای قابل توجهی برای روابط اتحادیه اروپا با کشورهای این منطقه و بازیگران مهم منطقه‌ای به ویژه روسیه و ترکیه دارد. این موضوعات و تهدیدها برای اروپا بسیار حائز اهمیت می‌باشد چرا که اتحادیه اروپا درصدد است انرژی خود را از طریق کریدور جنوب تامین کند. پارلمان اروپا در مه ۲۰۱۰ با صدور قطعنامه‌ای خواستار تدوین راهبردی جامع برای قفقاز جنوبی شد. هدف از صدور این قطعنامه، تجمیع طرح‌های اروپایی در حوزه قفقاز جنوبی و ایفای نقش فعال‌تر سیاسی در منطقه بود. سیاست‌های روسیه در قفقاز جنوبی نیز در قبال آبخازیا و اوستیای جنوبی و تعیین مرزهای آنها موجب نگرانی اتحادیه اروپا شده است. روسیه همچنین در واکنش به استقرار بخش‌هایی از سامانه ضد موشکی آمریکا در شرق اروپا، موشک‌های بالستیک تاکتیکی خود را در کالینینگراد<sup>۲</sup> مستقر کرده است (Popescu, 2014 : 3 – 4)

روسیه همچنین در همسایگی بلافصل خود تلاش دارد تا نفوذ خود را بیش از گذشته افزایش دهد. مهم‌ترین ابزار روسیه در این حوزه، تشکیل اتحادیه اوراسیا است تا از طریق شکل‌گیری وابستگی سیاسی و اقتصادی بتواند همگرایی بیشتری به وجود بیاورد. به همین منظور در ابتدای سال ۲۰۱۰ یک اتحادیه گمرکی مشترک و یک فضای اقتصادی

<sup>۱</sup>. Southern Gas Corridor

<sup>۲</sup>. Kaliningrad

مشترک با حضور بلاروس قزاقستان و تاجیکستان و روسیه تشکیل شد. به طور کلی، روسیه اتحادیه اوراسیا را بدیلی برای اتحادیه اروپا برای خود و همسایگانش می‌داند. این کشور برای پررنگ‌تر شدن قدرت این اتحادیه در برابر اتحادیه اروپا، خود را سخنگو و مؤسس اتحادیه اوراسیا معرفی کرده است. هر چند به لحاظ سیاسی دولت‌های عضو از تسلط و نفوذ روسیه بر همسایگان خود انتقاد کرده‌اند. اتحادیه اروپا نیز تنها به شرطی نقش روسیه را در اتحادیه اوراسیا به رسمیت می‌شناسد که روسیه این اتحادیه را منطبق با الزام‌ها و مقررات سازمان تجارت جهانی شکل دهد (آقایی و ثمودی، ۱۳۹۲: ۲۱). شکل‌گیری اتحادیه گمرکی اوراسیا بدین معنا است که اتحادیه اروپا دیگر تنها بازیگر اصلی در این منطقه نیست و این اتحادیه گمرکی می‌تواند چالشی هنجاری برای اروپا باشد. این امر به ویژه در خصوص اوکراین به خوبی قابل مشاهده است.

اتحادیه اروپا از طریق اجرای تدابیری همچون سیاست کشاورزی مشترک، آغاز فرایند سیاست همسایگی اروپا در سال ۲۰۰۴ و شراکت شرقی (۲۰۰۹) و ادغام تدریجی این کشورها در ساختارهای اتحادیه درصدد ایجاد تغییر در ساختارهای کشورهای اروپای شرقی بوده است. همزمانی گسترش اتحادیه اروپا با گسترش ناتو، موجب بروز نارضایتی شدید روسیه نسبت به مورد تهدید قرار گرفتن حوزه نفوذ سنتی این کشور شده است. روسیه نیز از طریق تقویت دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع، ادغام برخی کشورها در ساختارهای پولی و اقتصادی و انرژی خود درصدد جلوگیری از کاهش نفوذ برآمده است. می‌توان گفت، روسیه استفاده از قدرت ساختاری خود را با به کارگیری قدرت سخت همچون حمله به گرجستان تکمیل کرد.

### دلایل بروز بحران میان روسیه و اتحادیه اروپا

به باور بسیاری مداخله نظامی روسیه در اوکراین و انضمام کریمه در واقع واکنش مستقیم روسیه به توسعه سه گانه ناتو، اتحادیه اروپا و اقدام‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه خارج نزدیک روسیه بوده است. واکنش روسیه به این سه‌گانه توسعه، ایجاد ائتلاف‌های اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک بود. سازمان پیمان امنیت جمعی<sup>۱</sup>، اتحادیه

<sup>۱</sup>. Collective Security Treaty Organization

گمرکی اوراسیا<sup>۱</sup> و سازمان همکاری شانگهای از جمله این اقدام‌های روسیه می‌باشد. به باور بسیاری، نادیده گرفتن نگرانی‌های روسیه از سوی آمریکا و ناتو در جریان بحران کوزوو در سال ۱۹۹۹ در حافظه تاریخی سیاستمداران روسی باقی مانده است. در واقع، رقابت میان روسیه و ناتو از سال ۲۰۰۸ شروع شد که روسیه تهدید به انجام برخی اقدام‌های پیشدستانه در واکنش به اقدام‌های ناتو در منطقه قفقاز و دریای سیاه کرد. پیشنهاد ناتو برای پیوستن اوکراین و گرجستان به این سازمان در آوریل ۲۰۰۸ در اجلاس بخارست موجب وخیم‌تر شدن روابط میان ناتو و روسیه شد. ولادیمیر پوتین در اجلاس بخارست اعلام کرد که «اوکراین کشوری است که بدون هیچگونه پیشینه تاریخی و تنها بر اثر معادلات سیاسی و بین‌المللی به وجود آمده است و کریمه تنها با توجه به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به اوکراین واگذار شد» (Gardner, 2014: 5). تدوین و اجرای سیاست شراکت شرقی<sup>۲</sup> از سوی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۹ نیز یکی دیگر از نگرانی‌های روسیه بوده است.

در حقیقت، تلاش اتحادیه اروپا برای افزایش همکاری با شش کشور ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، مولداوی و اوکراین و امضای قراردادهای جدید با این کشورها در حوزه‌های مختلف به معنای دور کردن این کشورها از دایره نفوذ و حوزه امنیت روسیه است. بسیاری ریشه‌های این بحران را در جنگ ۲۰۰۸ میان روسیه و گرجستان می‌دانند که پایانی بود بر گسترش ناتو و فرایند پیوستن گرجستان و اوکراین به این سازمان. روسیه و اتحادیه اروپا هر دو نگاه و نتیجه متفاوت و خاص خود را از جنگ سال ۲۰۰۸ داشتند. اتحادیه اروپا از طریق اجرای مشارکت شرقی (۲۰۰۹) در تلاش برآمد تا اوکراین و پنج کشور دیگر را در حوزه اقتصادی و سیاسی وارد ساختارهای خود کند. در واقع، اتحادیه اروپا تلاش داشت تا یک منطقه امن در مرزهای شرق خود به وجود آورد. در مقابل، روسیه نیز تلاش کرد تا با تشکیل اتحادیه گمرکی اوکراین و دیگر جمهوری‌های پیشین شوروی را به سوی خود بکشاند. امضای پیمان اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مه ۲۰۱۴ نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود. روسیه تلاش‌های خود را برای ایجاد یک جامعه تحت رهبری خود آغاز کرد تا بتواند هم از مزایای اقتصادی آن بهره‌برد و هم بتواند موضع برتری در چانه‌زنی‌هایش با دو همسایه بزرگ خود یعنی چین و اتحادیه اروپا داشته باشد. روسیه تلاش

<sup>۱</sup>. Eurasian Customs Union

<sup>۲</sup>. Eastern Partnership

فراوانی کرد تا با وارد کردن اوکراین به این اتحادیه - این تلاش‌ها در سال ۲۰۰۳ با طرح فضای اقتصادی واحد<sup>۱</sup> آغاز شده بود - بتواند بازار مصرفی این اتحادیه را به ۲۰۰ میلیون نفر برساند. پوتین در عین حال پیگیری طرح خود با نام اروپای بزرگ‌تر از لیبسون تا ولادی وستک<sup>۲</sup> را همچنان مورد نظر قرار دارد (Trenin, 2014: 4). مجموعه این عوامل موجب شد تا اتحادیه اروپا و روسیه، اوکراین را به عنوان یک عنصر مهم در طرح ژئوپلیتیک خود در نظر بگیرند و از این رو تلاش‌های فراوانی برای اثرگذاری بر این کشور آغاز کردند.

مقام‌های اروپایی به این موضوع اشاره می‌کنند که روسیه با مداخله خود در اوکراین مبانی مندرج در قانون نهایی هلسینکی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۵ را نقض کرده است؛ اصولی که به موجب آن دولت‌ها باید نسبت به تمامیت ارضی و حاکمیت سایر دولت‌ها احترام بگذارند و تهدید به استفاده از زور نکرده و از آن استفاده نکنند (Emerson, 2014: 2). در حقیقت، هنجارهای پذیرفته شده در هلسینکی در مورد نظم امنیتی اروپا ابداع کشورهای غربی نبود، بلکه در دوره برژنف در خصوص طراحی یک ساختار یکپارچه امنیتی در اروپا شکل گرفت. به طور کلی به قدرت رسیدن نیروهای متمایل به غرب برای روسیه خطرهایی در پی داشت. نخست از بین رفتن هویت، فرهنگ و زبان روسی در داخل اوکراین و دیگری پیوستن کی‌یف به ناتو در کوتاه مدت. در حقیقت، هدف دولت روسیه، ممانعت از پیوستن اوکراین با ناتو و در صورت امکان، پیشبرد طرح همگرایی اوراسیایی بود.

### مبانی اعمال تحریم‌های اتحادیه اروپا

مبنای حقوقی تحریم‌های اتحادیه اروپا فصل هفتم منشور سازمان ملل و مواد ۳۰ و ۳۱ پیمان اتحادیه اروپا است. سرویس اقدام خارجی اروپایی<sup>۴</sup> اصطلاح‌های «تحریم‌ها» و «تدابیر تنبیهی» را به جای یکدیگر به کار می‌برد و هدف از اعمال تحریم‌ها را ایجاد تغییر در فعالیت‌ها و سیاست‌های کنشگران ناقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معرفی می‌کند (Esfandiary, 2013: 2). در پیمان اتحادیه اروپا از تدابیر محدودکننده و تنبیهی به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده برای پیگیری اهداف سیاست خارجی نام برده شده

<sup>1</sup> Single Economic Space

<sup>2</sup> Greater Europe from Lisbon to Vladivostok

<sup>3</sup> Helsinki Final Act

<sup>4</sup> European External Action Service

است. شورای اروپا همچنین از تحریم‌های اعمال شده توسط شورای امنیت سازمان ملل پیروی می‌کند. در پیمان رم (۱۹۵۷) به این موضوع اشاره شده بود که دولت‌های عضو می‌توانند برای کارایی و اثربخش بودن تحریم‌های اقتصادی، سیاست‌های تجاری خود را با یکدیگر هماهنگ کنند. همچنین در ماده ۲۱۵ پیمان اتحادیه اروپا آمده است که اتحادیه اروپا می‌تواند در ارتباط با کشورهای ثالث تدابیر تنبیهی بر ضد گروه‌ها و افراد حقیقی و حقوقی و یا کنشگران غیردولتی اعمال کند (Keukeleire and Delreux, 2014: 218).

البته تنها پس از تصویب پیمان ماستریخت بود که اتحادیه اروپا اعمال تحریم‌های سیاسی را در پیش گرفت. به طور کلی، سه سند وجود دارد که سیاست‌ها و تدابیر تنبیهی اتحادیه اروپا با استناد به آنها، مورد اجرا قرار می‌گیرد. سند نخست، «دستورالعمل‌های اجرا و ارزیابی تدابیر محدودکننده در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا»<sup>۱</sup> نام داشت که در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید و در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ به روزرسانی شد. در این سند، تعاریف و دستورالعمل‌هایی در خصوص نحوه طراحی و اجرای تحریم‌ها و ارائه اطلاعاتی در خصوص نحوه اعمال تحریم‌ها و ارزیابی و سنجش کارآمدی آنها مورد اشاره قرار گرفته بود.

اسناد دوم و سوم نیز به منظور تحقق این اهداف به تصویب رسیدند. سند دوم، «مبانی اساسی استفاده از تدابیر محدودکننده»<sup>۲</sup> است که توسط کمیته سیاسی و امنیتی در ژوئن ۲۰۰۴ به تصویب رسید. در مبانی اساسی در خصوص استفاده از تدابیر محدودکننده آمده است که «تحریم‌ها در راستای حمایت از تلاش‌ها برای مبارزه با تروریسم و منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و به عنوان ابزاری محدودکننده برای حمایت از حقوق بشر، دموکراسی، حاکمیت قانون و حکمرانی خوب خواهد بود (Ibid:219). در این سند تصریح شده که اتحادیه اروپا باید همگام و هم‌راستا با سازمان ملل متحد به اعمال تحریم بپردازد. البته در سند «مبانی استفاده از تدابیر محدودکننده» آمده بود که اتحادیه اروپا در صورت ضرورت می‌تواند به طور مستقل نیز اقدام به اعمال تحریم کند. این سند همچنین خواستار استفاده از تحریم‌های هدفمند شده بود. و سند سوم نیز «روش‌های اتحادیه اروپا در

<sup>۱</sup>. Guidelines on Implementation and Evaluation of Restrictive Measures in the Framework of EU CFSP

<sup>۲</sup>. Basic Principles on the Use of Restrictive Measures

اجرای کارآمد تدابیر محدودکننده<sup>۱</sup> است که در سال ۲۰۰۸ به تصویب رسید. در این سند، اطلاعات مربوط به افراد یا نهادهای تحریم شده و مدالیته‌های اجرایی در توقیف دارایی‌ها و ممنوعیت کالایی مورد توجه قرار گرفته است (Giumelli, 2013: 10).

به طور کلی، اعمال تحریم‌ها تصمیمی در سطح سیاست خارجی کنشگران است. از این رو، اتحادیه اروپا می‌تواند در راستای اهداف تعیین شده در پاراگراف ۲ ماده ۲۱ پیمان اتحادیه اروپا از ابزار تحریم استفاده کند. در این ماده تصریح شده است، «برای پیشبرد دموکراسی، حاکمیت قانون، ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، احترام به کرامت انسانی، مبانی برابری و انسجام و احترام به مبانی منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل می‌توان از ابزار تحریم استفاده کرد. تحریم‌های اتحادیه اروپا در واقع بخشی از سیاست خارجی و امنیتی مشترک است. همچنین اختیارات قانونی اتحادیه اروپا برای اعمال تدابیر محدودکننده در ماده ۲۱۵ پیمان لیسبون قرار دارد (Lacourt et al, 2013: 4). باید به این موضوع اشاره کرد که در «مبانی اساسی استفاده تدابیر محدودکننده» به این موضوع اشاره و تصریح شده که تدابیر محدودکننده اتحادیه اروپا باید در راستای حمایت از مبارزه با تروریسم، مقابله با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، حمایت از ارتقای حقوق بشر، دموکراسی، حاکمیت قانون و حکمرانی خوب صورت پذیرد. در سند «دستورالعمل‌های اجرا و ارزیابی تدابیر محدودکننده» نیز چند عنصر مهم مورد توجه قرار گرفته و اعلام شده که تدابیر محدود کننده تنها با انگیزه اقتصادی اعمال نمی‌شوند.

### تحریم‌های اعمال شده بر ضد روسیه از سوی اتحادیه اروپا

بحران اوکراین موجب شد تا اتحادیه اروپا بار دیگر از تحریم‌ها در سیاست خارجی خود استفاده کند. زمانی که اتحادیه اروپا با تهدید امنیتی در مرزهای شرقی خود مواجه شد، تلفیقی از دیپلماسی و ابزار تحریم را برای مواجهه با این بحران به کار گرفت. در واقع، هدف اصلی از اعمال تحریم بر ضد روسیه، ایجاد تغییر در سیاست‌های این کشور در اوکراین و به ویژه الحاق کریمه به خاک خود است. با آنکه نقطه شروع بحران کنونی اوکراین، خودداری رئیس جمهوری مخلوع آن کشور از امضای توافقنامه تجاری با اتحادیه اروپا بود، اما به دلیل اختلاف نظر موجود بین کشورهای اروپایی در خصوص چگونگی برخورد اتحادیه

<sup>۱</sup>. The EU Best Practices for the Effective Implementation of Restrictive Measures

اروپا با روسیه از یک سو و نیز تلاش آمریکا برای به دست گرفتن ابتکار عمل در این بحران از سوی دیگر، اتحادیه اروپا در عمل در زمینه اعمال تحریم‌ها بر ضد روسیه دنباله‌روی سیاست‌های واشنگتن بود. بر این اساس، نخستین مورد تحریم‌های اروپا بر ضد روسیه در تاریخ ۶ مارس ۲۰۱۴<sup>۱</sup> و همزمان با صدور نخستین فرمان اجرایی آمریکا در بحران اوکراین صورت پذیرفت.

در حقیقت، دور نخست تحریم‌های روسیه در واکنش به الحاق کریمه صورت پذیرفت؛ تحریم‌هایی که بیشتر جنبه نمادین داشت. هر چند اتحادیه اروپا در همان زمان اعلام کرد که آمادگی اعمال تحریم‌های بیشتری دارد. با تشدید بحران، اتحادیه اروپا نیز میزان تحریم‌های خود را افزایش داد. به عنوان مثال، سقوط هواپیمای خطوط مالزی بر فراز اوکراین در ۱۷ جولای ۲۰۱۴<sup>۲</sup> (این حادثه به کشته شدن ۲۹۸ نفر از جمله ۲۱۰ شهروند اتحادیه اروپا منجر شد) موجب افزایش تحریم‌ها گردید. موضوع مهم این است که برخی دولت‌های عضو اتحادیه به دلیل پیوندهای اقتصادی گسترده با روسیه تمایل چندانی به افزایش گستره تحریم‌ها نداشتند. در واقع، بسیاری به این موضوع اشاره می‌کنند که اعمال تحریم‌ها چیزی مابین لفاظی صرف و اقدام نظامی است. در واقع به گفته جرمی گرین استاک<sup>۳</sup> هیچ ابزار دیگری میان لفاظی‌ها و ورود به جنگ به جز اعمال تحریم وجود ندارد که با استفاده از آن بتوان اعمال فشار کرد (Green Stock, 2010). اتحادیه اروپا و ایالات متحده تحریم‌های فزاینده‌ای را بر ضد روسیه اعمال کرده‌اند که دلیل عمده آن نیز مداخله‌های روسیه در اوکراین، منضم ساختن کریمه به خاک خود و در واقع زیر پا گذاشتن هنجارهای پیمان هلینسکی (۱۹۷۵) است. مقام‌های اروپایی نیز بارها هدف از اعمال تحریم‌ها را توقف اقدام‌های بی‌ثبات‌ساز روسیه در اوکراین اعلام کرده‌اند. به طور کلی، تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا بر ضد روسیه در سه سطح تحریم‌های دیپلماتیک، تحریم‌های اقتصادی و تحریم افراد صورت پذیرفته است.

۱. ۱۵ اسفند ۱۳۹۲

۲. ۲۶ تیر ۱۳۹۳

۳. Jeremy Green Stock

## ۱. تحریم‌های اقتصادی

پس از بروز بحران اخیر میان روسیه و اتحادیه اروپا، هر گونه انجام عملیات بانکی جدید از سوی بانک سرمایه‌گذاری اروپا<sup>۱</sup> و بانک توسعه و بازسازی اروپا<sup>۲</sup> به حالت تعلیق درآمد است. روسیه بزرگ‌ترین دریافت‌کننده تسهیلات بانک بازسازی و توسعه اروپاست. همچنین واردات از منطقه کریمه و صادرات کالاهای دارای کاربرد دوگانه تجهیزات نظامی به روسیه نیز ممنوع شده است. منع صدور مجوزهای صادرات برای تجهیزات مرتبط در حوزه انرژی و ممنوعیت دسترسی به بازارهای اتحادیه اروپا و خدمات مربوط برای برخی شرکتها و بانک‌های اصلی روسیه از دیگر موارد تحریم‌های اتحادیه بر ضد روسیه محسوب می‌شود. همچنین تحریم‌هایی در خصوص صادرات و واردات تجهیزات نظامی و صادرات کالاهای با کاربرد دوگانه به روسیه اعمال شده است. صادرات محصولات مورد استفاده در آب‌های عمیق و طرح‌های نفت شیل<sup>۳</sup> نیز ممنوع شده است (Finland Ministry of Finance, 2014: 18). پس از برگزاری اجلاس اتحادیه اروپا در بروکسل (۱۸ دسامبر ۲۰۱۴) تحریم‌های بیشتری در خصوص سرمایه‌گذاری در کریمه و سواستوپول<sup>۴</sup> اعمال شد. از جمله تحریم‌های اعمال شده در این اجلاس می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ ممنوعیت هرگونه مالکیت املاک در کریمه و سواستوپول، دادن وام یا اعتبار بانکی، سرمایه‌گذاری مشترک، ارائه خدمات سرمایه‌گذاری، ممنوعیت فروش، تامین، انتقال یا صادرات برخی کالاهای خاص یا ارائه کمک‌های فنی و ساخت یا تامین زیرساخت‌های مهندسی و فعالیت‌های مرتبط با حوزه گردشگری در کریمه و سواستوپول (International Trade Controls, 2014: 1-2).

## ۲. تحریم‌های دیپلماتیک

اگرچه اتحادیه اروپا همواره بر رفع تنش به وجود آمده میان روسیه و اوکراین از طریق انجام گفتگوها تاکید کرده است، اما به موازات تلاش برای انجام گفتگوها با اعمال تحریم‌های اقتصادی و یا کاهش مناسبات دیپلماتیک درصدد برآمده است تا روسیه را تحت فشار بیشتری قرار دهد. به عنوان مثال، اجلاس گروه هشت که قرار بود ژوئن ۲۰۱۴ در

<sup>1</sup> European Investment Bank

<sup>2</sup> European Bank for Reconstruction and Development

<sup>3</sup> Shale

<sup>4</sup> Sevastopol

سوچی روسیه برگزار شود به گروه هفت تبدیل و در نهایت در بروکسل برگزار شد. همچنین اجلاس اتحادیه اروپا- روسیه نیز که برای ژوئن در سوچی برنامه‌ریزی شده بود، لغو شد. گفتگوها در خصوص لغو روادید میان دو طرف و توافق جدید در خصوص آن نیز به حالت تعلیق درآمد. برنامه‌های مختلف همکاری دوجانبه هم به حالت تعلیق درآمد.

### ۳. تحریم افراد و نهادهای روسی

شورای اتحادیه اروپا ۱۷ مارس ۲۰۱۴ با تصویب قطعنامه ۲۶۹/۲۰۱۴ تحریم‌هایی را در حوزه محدودیت‌های مسافرت و توقیف دارایی ۲۱ شهروند روسیه و سایر مقام‌ها و کارکنان نظامی آن کشور اعمال کرد. این افراد از نظر اتحادیه اروپا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در حوادث اخیر اوکراین دخالت داشته‌اند. در سومین مرحله اعمال تحریم‌ها نیز شورای اتحادیه اروپا با تصویب قطعنامه ۲۸۴/۲۰۱۴ فهرست افراد تحریم شده را به ۳۳ مورد افزایش داد. دارایی افراد زیادی از سوی اتحادیه اروپا توقیف شده و از صدور روادید برای ورود آنها به خاک اتحادیه اروپا امتناع کرده است. تاکنون ۱۱۹ شخص و ۲۳ نهاد در روسیه و کریمه مشمول این تحریم شده‌اند (Blockmans, 2014:3). اتحادیه اروپا همچنین اموال مقام‌های ارشد روسیه و رهبران جدایی طلب را در شرق اوکراین مسدود کرده است علاوه بر تحریم‌هایی که از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا در چند مرحله بر ضد روسیه اعمال شده است، برخی کشورهای دیگر هم‌پیمان آنها از جمله استرالیا، کانادا، ژاپن، نروژ و سوئیس نیز به اعمال تحریم بر ضد روسیه مبادرت ورزیده‌اند. دولت استرالیا در ۱۹ مارس ۲۰۱۴ پس از الحاق کریمه به روسیه تحریم‌های مالی و نیز ممنوعیت‌هایی برای سفر مقام‌های روسی - که از نظر آنها در تهدید حاکمیت اوکراین نقش اساسی داشته‌اند - اعمال کرد و به مورد اجرا گذاشت. دولت کانادا نیز ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۴ تحریم‌هایی بر ضد شرکت‌های اسلحه-ساز، انرژی و مالی روسیه اعمال کرد. ژاپن نیز ۵ اوت ۲۰۱۴ تصمیم به توقیف سرمایه افراد یا گروه‌های حامی جدایی کریمه از اوکراین گرفت و واردات از کریمه را ممنوع کرد. این کشور همچنین تامین مالی طرح‌های جدید در روسیه را که در چارچوب سیاست بانک توسعه و بازسازی اروپا انجام می‌شد به حالت تعلیق درآورد. دولت نروژ نیز در ۱۲ اوت ۲۰۱۴ تحریم‌های شدیدی همچون تحریم‌هایی اعمالی ۱۲ اوت ۲۰۱۴ از سوی اتحادیه اروپا بر ضد روسیه را اعلام و صادرات سلاح و عرضه تجهیزات و فناوری و کمک

به بخش نفت روسیه را نیز ممنوع کرد. دولت سوئیس هم در ۱۴ اوت ۲۰۱۴ تحریم‌هایی را بر ضد روسیه اعمال کرد (صبغیان، ۱۳۹۳: ۱۸). دولت سوئیس در این چارچوب ۲۶ شهروند دیگر روسیه و نیز اوکراینی‌های طرفدار روسیه را در فهرست شهروندان تحریم شده قرار داد و پس از مدتی تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا را به فهرست تحریم‌های خود بر ضد روسیه اضافه کرد.

اعمال تحریم‌های مشابه تحریم‌های ایران بر ضد روسیه به باور بسیاری چندان نتیجه‌بخش نخواهد بود زیرا روسیه بزرگ‌ترین صادر کننده نفت جهان است و یک سوم گاز اروپا را تأمین می‌کند. ظهور روسیه به عنوان یک بازار مصرفی برای اروپا بسیار مهم است. روسیه در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بزرگ‌ترین بازار محصولات لبنی و اسباب بازی و پوشاک بوده است و تا سال ۲۰۱۸ بزرگترین بازار مصرفی در اروپا خواهد بود (Aris, 2014:1). در این میان، منافع اتحادیه اروپا و آمریکا در روسیه به طور کامل متفاوت است. صادرات آمریکا به اروپا تقریباً نزدیک به صفر است و هیچ سرمایه‌گذاری خاصی نیز در روسیه انجام نداده است. این در حالی است که دولت‌های عضو اتحادیه روابط تجاری گسترده‌ای با روسیه دارند. نزدیک به ۶ هزار شرکت آلمانی در روسیه فعال هستند چیزی نزدیک به ده برابر بیشتر از دیگر کشورهای اروپایی. می‌توان سیاست‌های اتحادیه اروپا در حوزه تحریم‌های روسیه در قالب سیاست خارجی و امنیتی مشترک را در قالب زیر به تصویر کشید.

سیاست‌های اتحادیه اروپا در اعمال تحریم بر ضد روسیه

تحریم‌های اتحادیه اروپا (صرفاً در چارچوب مبانی اتحادیه)	تحریم‌های عملی در چارچوب سیاست خارجی و امنیتی مشترک	قطع روابط مالی و اقتصادی
سطح و گستره تحریم‌ها	تعلیق کمک‌های مالی و فنی اتحادیه اروپا و همچنین تعلیق توافقنامه‌های بین‌المللی	توقف و یا کاهش بخش یا تمام روابط مالی و اقتصادی
مبانی حقوقی	بسته به نوع تحریم‌ها (ماده ۲۱۸ و ماده ۲۱۵ پیمان موسس اتحادیه اروپا)	مقررات شورا (ماده ۲۱۵ پیمان موسس اتحادیه اروپا)
نحوه تصمیم‌گیری	بسته به نوع ابزار مورد استفاده	اکثریت کیفی
تدابیر تنبیهی اعمال شده بر ضد روسیه	تعلیق گفتگوها در خصوص لغو روادید، تعلیق گفتگوها در خصوص توافقنامه‌های جدید و تعلیق برخی برنامه‌های دوجانبه	مسدود ساختن دارایی ۱۴۲ مقام و نهاد روسی، اعمال تحریم‌های اقتصادی با هدف آسیب زدن به بازار سرمایه و فناوری‌های حساس

Source: (Raik et al,2014:7)

تحریم‌های متقابل روسیه بر ضد غرب

روسیه از ابتدای مطرح شدن تحریم‌های غرب بر ضد خود در قضیه اوکراین، مسئله اعمال تحریم‌های متقابل را مطرح کرد. وزارت امور خارجه روسیه روز ۲۰ مارس یعنی چند روز پس از اعمال تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا، فهرستی از تحریم‌های متقابل بر ضد تعدادی از شهروندان آمریکایی را منتشر کرد که در آن نام ۱۰ نفر از مقام‌های این کشور از جمله جان بوهرنر<sup>۱</sup>، رئیس مجلس نمایندگان، سناتور جان مک‌کین<sup>۲</sup> و دو مشاور باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا ذکر شده بود. وزارت خارجه روسیه در بیانیه خود اعلام کرده بود که «رفتار با کشور ما به شیوه‌ای که پیش از این واشنگتن تجربه کرده، کار نامناسب و بیهوده

<sup>۱</sup>. John Boehner

<sup>۲</sup>. John McCain

است و تردیدی نیست که تحریم‌ها بر ضد روسیه تأثیر بوم رنگ را خواهد داشت که آثار منفی آن بیشتر به کشور تحریم‌کننده بر خواهد گشت» (صباغیان، ۱۳۹۳: ۲۱). روسیه ۲۳ مارس ۲۰۱۴ نیز تحریم‌هایی بر ضد ۱۳ مقام کانادایی از جمله اعضای پارلمان این کشور اعمال و ورود آنها به روسیه را ممنوع کرد. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در ۶ اوت ۲۰۱۴ فرمانی در خصوص تحریم‌هایی در حوزه واردات صادر کرد که به موجب آن ورود گوشت، فرآورده‌های گوشتی، شیر و محصولات لبنی، میوه، خشکبار و ماهی از اتحادیه اروپا، ایالات متحده، نروژ و استرالیا مدت یک سال ممنوع شد. اتحادیه اروپا ده درصد از محصولات غذایی خود را به روسیه صادر می‌کند که ارزش آن سالانه به ۱۱ میلیارد یورو در سال می‌رسد. برآوردهای کمیسیون اروپا نشان می‌دهد که در حدود ۴۰ درصد از صادرات کشاورزی- غذایی اتحادیه اروپا به روسیه مورد تحریم قرار گرفته‌اند. این میزان در واقع چیزی در حدود ۵ میلیارد یورو ارزش دارد (Emerson, 2014: 4).

### اهداف اتحادیه اروپا از اعمال تحریم‌های اقتصادی

در تحریم‌های اتحادیه اروپا بر ضد روسیه سه مولفه مهم وجود دارد. نخست، رقابت میان قدرت‌های بزرگ؛ دوم، بروز یک بحران مهم اروپایی با پیامدهای جهانی؛ و در نهایت هزینه‌های تحریم‌ها برای خود اتحادیه اروپا. به جز برخی موارد نادر، اتحادیه اروپا تا پیش از وقوع بحران اوکراین، تحریم‌های چندانی را بر ضد قدرت‌های بزرگ اعمال نکرده بود. البته کشورهای اروپایی برخی تحریم‌های مقطعی به عنوان مثال تحریم صادرات تسلیحات به چین در سال ۱۹۸۹ و برخی تحریم‌های تجاری محدود بر ضد شوروی در سال ۱۹۸۲ اعمال کرده بودند. همچنین برخی تحریم‌های ضعیف و کم اثر در سال ۲۰۰۰ در واکنش به تحولات چین بر ضد روسیه تصویب شده بود (Haukkala, 2008: 185).

در واقع، اعمال تحریم‌های اقتصادی از سوی اتحادیه اروپا بر ضد روسیه، نخستین تحریم‌های جدی بر ضد یک قدرت بزرگ آن هم در واکنش به اهداف و منافع متضاد این دو کنشگر در همسایگی خود می‌باشد. دیگر آنکه، اتحادیه اروپا بر خلاف موارد پیشین به عنوان یک کنشگر مهم در یک بحران بین‌المللی دست به کنشگری زده است و با فشارهای آمریکا تا حدود زیادی کنترل مسیر اعمال فشار بر روسیه را برعهده گرفت (Raika et al, 2014: 5). در حقیقت، بحران اوکراین به نوعی نظم امنیتی به وجود آمده در اروپا پس از پایان جنگ سرد

را تضعیف کرد. می‌توان گفت این بحران به نوعی آزمون آمادگی اتحادیه اروپا برای دفاع از هنجارهای بین‌المللی از جمله دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت دولت‌ها بود. نکته دیگر آنکه، تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا و اقدام‌های متقابل روسیه، بر اقتصاد دولت‌های عضو اتحادیه اروپا نیز اثر منفی گذاشته است.

در مجموع، با توجه به اینکه اتحادیه اروپا از توان کافی برای استفاده از قدرت نظامی بر ضد روسیه برخوردار نمی‌باشد، اعمال تحریم‌های اقتصادی در به کارگیری دیپلماسی تنها ابزار در اختیار مقام‌های اروپایی است. در تحریم‌های اتحادیه اروپا سه کارکرد مهم سیاست خارجی قابل شناسایی است: اجبارسازی<sup>۱</sup>، محدودسازی<sup>۲</sup> و ارسال پیام<sup>۳</sup>. اعمال تحریم برای تغییر رفتار یک کنشگر در زمره اقدام‌های اجبارسازی قرار می‌گیرد و اعمال تحریم با هدف تضعیف توانمندی کنشگران در رسیدن به اهداف خود نیز محدودسازی است. همچنین استفاده از تحریم در واقع، پیام نارضایتی می‌باشد (Raik et al, 2014:6). در واقع، اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ضد روسیه با هدف تغییر در رفتارهای روسیه در اوکراین بوده است که تاکنون این امر تحقق نیافته است. اتحادیه اروپا درصدد ارسال این پیام بود که از نوع رفتار روسیه در اوکراین نارضایتی است. دیگر آنکه، اتحادیه اروپا با اعمال تحریم‌ها تلاش کرد اقدام نظامی روسیه را در اوکراین محدود کند. اگرچه آثار اقتصادی تحریم‌ها شاید در کوتاه مدت چندان چشمگیر نباشد، اما در بلند مدت می‌تواند هزینه‌های قابل توجهی بر اقتصاد روسیه وارد کند.

### پیامدهای متقابل تحریم‌های اقتصادی

در سال‌های گذشته سطح وابستگی متقابل اقتصادی میان اتحادیه اروپا و روسیه افزایش یافته است و همین موضوع نیز موجب شده اعمال تحریم‌های اقتصادی برای هر دو طرف پیامدهایی منفی در پی داشته باشد. روسیه سومین شریک تجاری اتحادیه اروپاست و اتحادیه اروپا نیز مهم‌ترین شریک تجاری روسیه محسوب می‌شود. میزان خدمات و کالاهای وارداتی اتحادیه اروپا از روسیه ۲۰۶ میلیارد یورو (۱۶۰ میلیارد یورو سهم بخش انرژی

<sup>۱</sup>. Coercing

<sup>۲</sup>. Constraining

<sup>۳</sup>. Signaling

می‌باشد) بوده است. سطح کل مبادلات میان اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ نیز ۳۲۶ میلیارد یورو بود. در سال ۲۰۱۲، ۷۵ درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه به کشورهای اروپایی تعلق داشت و این کشور نیز هشت میلیارد یورو در دولت‌های عضو اتحادیه اروپا سرمایه‌گذاری انجام داده بود (ECFR,2014).

در این میان، وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه عاملی مهم محسوب می‌شود. اتریش، بلژیک، چک، فنلاند، یونان، مجارستان، لهستان و اسلواکی کشورهایی هستند که بیش از نیمی گاز مصرفی خود را از روسیه وارد می‌کنند. برخی به این موضوع اشاره می‌کنند که بحران میان روسیه و غرب می‌تواند اثراتی منفی بر حوزه یورو داشته باشد. به عنوان مثال، وزیر خارجه اسپانیا ۹ فوریه ۲۰۱۵ اعلام کرد که اعمال تحریم‌های اقتصادی از سوی اتحادیه اروپا بر ضد روسیه زیانی ۲۱ میلیارد یورویی برای این اتحادیه در پی داشته است (AFP,2015). اما کمیسیون اروپا با ارائه گزارشی در اکتبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که اعمال این تحریم‌ها اثر منفی بر اقتصاد اروپا نخواهد گذاشت. برآورد کمیسیون اروپا نشان می‌دهد که تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا رشد اقتصادی اتحادیه را ۰/۲ درصد تا ۰/۳ درصد در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ کاهش خواهد داد (Smith,2014:13). می‌توان گفت در کوتاه مدت این تحریم‌ها اثر چندانی بر اقتصاد روسیه نخواهد داشت، زیرا این کشور می‌تواند با استفاده از ذخایر ارزی و مالی خود این بحران را پشت سر بگذارد. هر چند در صورت تداوم تحریم‌ها و پایین ماندن قیمت نفت و کاهش، این کشور با مشکلات جدی مواجه خواهد شد.

برآوردهای انجام شده نشان می‌دهد که روسیه در سال ۲۰۱۴، نزدیک به ۴۰ میلیارد یورو (سه درصد تولید ناخالص داخلی) و در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار (چهار درصد تولید ناخالص داخلی خود) را از دست خواهد داد (Euro Observer,2014). همچنین تحریم‌های اعمال شده موجب شده به دلیل خروج سرمایه از روسیه، ارزش روبل با کاهش ۲۰ درصدی (تا دسامبر ۲۰۱۴) مواجه شود. کاهش ارزش روبل نیز خود موجب کاهش قدرت خرید روسیه شده است (به عنوان مثال، روبل ۲۷ درصد ارزش خود را در برابر دلار در سال ۲۰۱۴ از دست داد). این امر خود می‌تواند بر سطح صادرات آلمان، ایتالیا و فرانسه نیز اثر منفی بگذارد؛ این سه کشور سالیانه به ترتیب ۳۶، ۱۱ و ۸ میلیارد دلار به

روسیه صادرات دارند (ECFR, 2014). همچنین به گفته آنتون سیلوآنف<sup>۱</sup> وزیر اقتصاد روسیه تحریم‌های اعمال شده از سوی غرب و کاهش قیمت نفت، موجب شده تا اقتصاد این کشور با ضرری ۱۴۰ میلیارد یورویی مواجه شود. وزیر اقتصاد روسیه ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ در کنفرانسی در مسکو اعلام کرد که ۴۰ میلیارد دلار خسارت اقتصادی ناشی از تحریم‌های کشورهای اروپایی و ۹۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار نیز به خاطر کاهش قیمت نفت بوده است (Reuters, 2014). بانک مرکزی روسیه نیز پیش‌بینی کرده است که رشد اقتصادی روسیه در سال ۲۰۱۵ صفر خواهد بود و میزان خروج سرمایه از این کشور نیز به ۱۳۰ میلیارد دلار برسد (Bloomberg, 2014). موسسه اعتبار سنجی مودیز نیز ۲۰ فوریه ۲۰۱۵ رتبه روسیه را از Baa3<sup>۲</sup> به Ba1<sup>۳</sup> تنزل داد و دورنمای رتبه این کشور را همچنان منفی نگه داشت. موسسه مودیز ژانویه ۲۰۱۵ پیش‌بینی کرده بود تولید ناخالص داخلی روسیه حدود ۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۵ و سه درصد نیز در سال ۲۰۱۶ کاهش پیدا می‌کند و رشد واقعی این کشور تا سال ۲۰۱۸ به صفر می‌رسد (Guardian, 2015).

در مجموع، دو نوع نگاه در خصوص تحمل فشارهای اقتصادی از سوی روسیه وجود دارد. نخست، یک نگاه لیبرالی که معتقد است تحریم‌ها، اقتصاد روسیه را به سمت یک رکورد و عقب ماندگی سوق خواهد داد. در مقابل، عده‌ای دیگر به این موضوع (بیشتر ملی‌گرایان) اشاره می‌کنند که این فشارها موجب خواهد شد، روسیه استقلال بیشتری از غرب پیدا کند. در مجموع، می‌توان گفت این تحریم‌ها اثرات منفی قابل توجهی بر اقتصاد روسیه داشته است، زیرا رشد اقتصادی روسیه دچار آسیب شده است و پیش‌بینی بانک جهانی نیز نشان می‌دهد رشد اقتصادی این کشور برای سال ۲۰۱۴ تنها نیم درصد بوده است (World Bank, 2014). اگرچه اتحادیه اروپا بخش گاز روسیه را تحریم نکرده است، اما کمیسیون اروپا برای اجرای ۱۰ طرح کوتاه مدت (تا سال ۲۰۱۶) و ۱۳ طرح میان مدت (تا سال ۲۰۲۰) و افزایش پالایشگاه‌های دریافت‌کننده گاز طبیعی مایع شده<sup>۴</sup> برنامه‌ریزی کرده است. در شرایط فعلی،

<sup>۱</sup> Anton Siluanov

<sup>۲</sup> بالاترین سطح رتبه سرمایه‌گذاری

<sup>۳</sup> بالاترین سطح رتبه غیرسرمایه‌گذاری

<sup>۴</sup> Liquefied natural gas (LNG)

سطح اعتماد اتحادیه اروپا به روسیه به کمترین میزان ممکن رسیده و در نگاه اروپایی‌ها، روسیه در حال ایجاد یک منطقه پرتنش در شرق اوکراین است.

به طور کلی، اجرای تحریم‌های اقتصادی از سوی اتحادیه اروپا با چالش‌هایی نیز رو به رو است. نخست اینکه، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا دارای منافع اقتصادی متفاوتی هستند و هر دولت عضو نیز منافع خاص خود را پیگیری می‌کند. همین امر نیز پیگیری یک موضع واحد را دشوار ساخته است. در هم تنیدگی و گستردگی میان اتحادیه اروپا و روسیه نیز موجب شده است تا اتحادیه اروپا نتواند تحریم‌های گسترده‌ای را بر ضد روسیه اعمال کند. دیگر آنکه، اتحادیه اروپا در عرصه بین‌المللی بیشتر یک قدرت نرم شناخته می‌شود و هنوز هم از توانمندی نظامی کافی برای مقابله با هرگونه چالش احتمالی نظامی برخوردار نیست. استفاده از ابزار تحریم در واقع، نشان‌دهنده تنگنایی است که اتحادیه اروپا با آن رو به رو است؛ و این تنگنا نیز چیزی نیست به جز تلاش برای ایجاد موازنه میان منافع واقع‌گرایانه خود با هویت آرمان‌گرایانه. در مجموع، اتحادیه اروپا برای اجرای سیاست‌های تحریمی خود با چالش‌های درونی و بیرونی نیز رو به رو است: نبود انسجام کافی همراه با منافع متفاوت دولت‌های عضو و اختلاف میان دولت‌های عضو و تفاوت در نگاه آنها به روسیه.

### نتیجه‌گیری

در دو دهه اخیر و از زمان تصویب پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۲ و شکل‌گیری سیاست خارجی مشترک، اتحادیه اروپا همواره از تحریم‌ها به عنوان ابزاری مهم در سیاست خارجی خود بهره برده است. تحریم‌های اعمال شده بر ضد روسیه نشان می‌دهد که سیاست خارجی اتحادیه اروپا همچنان از نبود یک رهبری واحد نهادی رنج می‌برد. هنوز هم نقش دولت‌های بزرگ به ویژه آلمان در تحریم‌های اعمال شده بر ضد روسیه پررنگ است. اگرچه انسجام نهادی اتحادیه اروپا به ویژه با اجرایی شدن پیمان لیسبون افزایش یافته است، اما همچنان ساختارها و منابع مورد نیاز برای اعمال این تحریم‌ها چندان برای کنشگری اتحادیه اروپا آماده نیست. با بروز بحران میان روسیه اتحادیه اروپا، این کشور توجه بیشتری به خاورمیانه کرده است. به عنوان مثال، روسیه توجه بیشتری به گسترش روابط خود ایران کرده است و ما شاهد افزایش مناسبات دیپلماتیک میان دو کشور (از جمله موافقت دولت روسیه با فروش سامانه موشکی اس ۳۰۰) هستیم. افزایش سطح روابط میان روسیه و مصر

از زمان به قدرت رسیدن سیسی در مصر، ارسال جت‌های جنگنده سوخوی ۲۵<sup>۱</sup> به عراق در ژوئن ۲۰۱۴ برای مقابله با گروه تروریستی داعش و افزایش همکاری با کشورهای خلیج فارس همه حکایت از نگاه خاص روسیه در دوره جدید دارد. اگرچه بحران به وجود آمده در سال ۲۰۰۸ با سیاست از سرگیری مجدد روابط میان روسیه و آمریکا تا حدود زیادی به فراموشی سپرده شد، اما الحاق کریمه به روسیه موضوعی نیست که کشورهای غربی آن را نادیده بگیرند. به نظر می‌رسد تنش میان روسیه و اوکراین در کوتاه مدت رفع نخواهد شد زیرا، اگرچه ممکن است تاکتیک‌های روسیه در قبال اوکراین تغییر کند، اما هدف اصلی همچنان پابرجا خواهد ماند و آن نیز نگه داشتن اوکراین به عنوان کشور بی‌طرف و منطقه حائل میان روسیه و اتحادیه اروپا و ناتو است.

---

<sup>۱</sup> SU-25

### منابع و مأخذ

- آقای، سید داود و ثمودی، علیرضا (۱۳۹۲)، "حوزه‌های اختلاف و رقابت میان اتحادیه اروپا و روسیه"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۱ بهار.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۱)، "نوواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره ۱، بهار.
- صباغیان، علی (۱۳۹۲)، "پیامدهای پیوستن روسیه به سازمان تجارت جهانی"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- صباغیان، علی (۱۳۹۳)، "تحریم‌های متقابل غرب و روسیه در بحران اوکراین"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۴، پاییز.
- گلاسر، چارلز (۱۳۹۲)، در مطالعات امنیتی معاصر، ترجمه سیدداود آقای و علیرضا ثمودی، تهران: انتشارات خرسندی.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه موازنه قوا، ترجمه و بررسی غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- AFP (2015), "Russia Sanctions have Cost EU 21 Billion Euros", Says Spain, February, Available at: <http://www.businessinsider.com/afp-russia-sanctions-have-cost-eu-21-bn-euros-says-spain-2015-2>, Accessed on: February 16, 2015.
- Alison, R (2009), "The Russian Case for Military Intervention in Georgia: International Laws, Norms and Political Calculation, European Security 18/22: ,Available at: <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/0966283090346873>, Accessed on: December 11, 2014.
- Aris, B (2014), Impact of Sanctions on Russia: An Assessment., 2014, European Leadership Network, Policy Brief, June, Available at: [http://www.europeanleadershipnetwork.org/impact-of-sanctions-on-russia-an-assessment\\_1567.html](http://www.europeanleadershipnetwork.org/impact-of-sanctions-on-russia-an-assessment_1567.html), Accessed on: Retrieved December 55.
- Blockmans, S (2014), How Should the EU Respond to Russian War in Ukraine?, CEPS Commentary, September, Available at: <http://www.ceps.eu/book/how-should-eu-respond-russias-war-ukraine>, Accessed on: December 30, 2014.
- Bloomberg (2014), Russia Faces \$ 140 Billion Annual Loss from Oil, Sanctions, November, Available at: <http://www.bloomberg.com/news/articles/2014-11-24/russia-sees-140-billion-annual-loss-from-oil-sanctions>, Accessed on: January 10, 2015.

- Emerson, M (2014), The EU-Ukraine-Russia Sanctions Triangle, CEPS Commentary, October, Available at: <http://www.ceps.eu/book/eu-ukraine-russia-sanctions-triangle>, Accessed on: December 26, 2014.
- Esfandiary, D (2013), Assessing the European Union's Sanction Policy: Iran a Case Study, Non-Proliferation Consortium, December, Available at: <http://www.nonproliferation.eu/documents/nonproliferationpapers/dinaesfandiary52b41ff5cbaf6.pdf>, Accessed on: January 5, 2014.
- Euro Observer (2014), Multi Billion Losses Expected from Russia Sanctions, July, Available at: <http://euobserver.com/economic/125118>, Accessed on: January 11, 2015.
- European Council on Foreign Relations (2014), Who Pays for the Sanctions on Russia?, December, Available at: [http://www.ecfr.eu/article/commentary\\_who\\_pays\\_for\\_the\\_sanctions\\_on\\_russia372](http://www.ecfr.eu/article/commentary_who_pays_for_the_sanctions_on_russia372), Accessed on: December 30, 2014.
- Finland Ministry of Finland (2014), The Economic Effects of the EU's Russia sanctions and Russian's Counter Action, September, Available at: [http://valtioneuvosto.fi/documents/10184/1058456/venaja\\_pakotteet\\_en.pdf/11184e4f-b00a-4474-9576-66c89d9e18ae](http://valtioneuvosto.fi/documents/10184/1058456/venaja_pakotteet_en.pdf/11184e4f-b00a-4474-9576-66c89d9e18ae), Accessed on: November 6, 2014.
- Gardner, H (2014), NATO, the EU, Ukraine, Russia and Crimea: the Reset that Was Never Reset, April, NATO Watch, Briefing Paper No.49: Available at: [http://www.natowatch.org/sites/default/files/briefing\\_paper\\_no\\_49\\_-\\_ukraine\\_russia\\_crimea.pdf](http://www.natowatch.org/sites/default/files/briefing_paper_no_49_-_ukraine_russia_crimea.pdf), Accessed on: September 11, 2014.
- Giumelli, F (2013), How EU Sanctions Work: A New Narrative, May, Chaillot Paper No 129, Available at: [http://www.iss.europa.eu/uploads/media/Chaillot\\_129.pdf](http://www.iss.europa.eu/uploads/media/Chaillot_129.pdf), Accessed on: March 22, 2014.
- GreenStock, G (2010), Do Economic Sanctions Work?, Available at: <http://www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-10742109>, Accessed on: December 24, 2014.
- Griffith, M ; Rouch, S and Solomon, Scott (2009), *Fifthy Key Thinkers in the International Relations*, Rotledge.
- Guardian (2015), Russia's Debt downgraded to Junk by Moody's, February, Available at: <http://www.theguardian.com/world/2015/feb/21/russias-debt-downgraded-junk-moodys>, Accessed on: February 22, 2015.
- Haukkala, H (2008), Multi-Causal Social Mechanisms and the Study of International Institutionalism: The case of the EU-Russia Strategic Partnership, from University of Turku, Accessed on: December 11, 2014.
- International Trade Controls (2014), Developments in the US and EU Sanctions against Russia and the Occupied Crimea Region of Ukraine, December, Available at: [http://www.cov.com/files/Publication/e2b88748-1019-405b-a58e-20d3d927fc46/Presentation/PublicationAttachment/f4b3012c-8a1f-43ae-a7b6-28214e6a871b/Developments\\_in\\_U.S.\\_and\\_EU\\_Sanctions\\_Against\\_Russia\\_and](http://www.cov.com/files/Publication/e2b88748-1019-405b-a58e-20d3d927fc46/Presentation/PublicationAttachment/f4b3012c-8a1f-43ae-a7b6-28214e6a871b/Developments_in_U.S._and_EU_Sanctions_Against_Russia_and)

\_the\_Occupied\_Crimea\_Region\_of\_Ukraine.pdf, Accessed on: January 11, 2015.

-Keukeleire, S and Delreux, T (2014), *The European Policy of the European Union*, Palgrave McMillan.

-Lacourt, A ; Lester, Maya and Parkes, Sara (2013), International Sanctions on Iran and Syria, February, Chatham House Retrieved, Available at: <http://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/public/Research/International%20Law/260213summary.pdf>, Accessed on: February 11, 2014.

-Mearsheimer, J (2009), "Reckless States and Realism", *International Relations*

-Popescu, N (2014), EU-Russia: Overcoming Stagnation, European Union Institute for Security Studies, January, Available at:

[http://www.iss.europa.eu/uploads/media/Brief\\_3\\_EU-Russia.pdf](http://www.iss.europa.eu/uploads/media/Brief_3_EU-Russia.pdf), Accessed on: January 1, 2015.

-Raik, K. ; Helvig N and Jokela, J (2014), EU Sanctions Against Russia, Europe Brings a Hard Edge to its Economic Power, FIIA Briefing Paper 162, February, Available at: [http://www.fiaa.fi/en/publication/450/eu\\_sanctions\\_against\\_russia/](http://www.fiaa.fi/en/publication/450/eu_sanctions_against_russia/), Accessed on: October 30, 2014.

-Reuters (2014), Russia Puts Losses from Sanctions, Cheaper Oil at up to \$ 140 billion per Year, November, Available at:

<http://www.reuters.com/article/2014/11/24/us-russia-siluanov-idUSKCN0J80GC20141124>, Accessed on: January 10, 2015.

-Smith, B (2014), Sanctions against Russia over Ukraine, Library of House of Commons, January, Available at:

<http://Documents%20and%20Settings/Administrator/My%20Documents/Downloads/SN06951.pdf>, Accessed on: January 30, 2014.

-Trenin, D (2014), The Ukraine Crisis and the Resumption of Great Power Rivalry, Carnegie Moscow Center, Available at:

[http://carnegieendowment.org/files/ukraine\\_great\\_power\\_rivalry2014.pdf](http://carnegieendowment.org/files/ukraine_great_power_rivalry2014.pdf), Accessed on: January 11, 2015.

-World Bank (2014), Russian Monthly Economic Developments, September, Available at:

<http://www.worldbank.org/content/dam/Worldbank/document/eca/russia/Russia-Monthly-Economic-Developments-Feb-2015.pdf>, Accessed on: December 22, 2014.